

با اجازه مافوقترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

رسانس نوین دانش

پیشرفت دانش قرن پسین
شاهد گفتار باشد بعد از این
علم باشد قدرت و نیرویمان
چون جهانبان بشکفدرازی بهین
در دل هر دانشی رازی نهان
روشنی بخش ودرخشان برزمین
حیرت انگیز و جدید آید علوم
نودرخشد، نور وحدت ذره بین
علم نیرو گیرد از این نور تاب
جلوه گر بهگر نمایان و رزین
مظهر دانش منور در جهان
مطمع¹ و مطروح² مطلق، دوربین
فیض بخش و فیصله درامر حق
قائل و قائم، ظریف و بریقین
زین طلایع شادزی حشمت وزین
شادمانی آورد بخت قرین

قرن شگفت انگیز

در قرن شگفتی زندگی می کنیم که پیشرفت برق آسای علم چنان اذهان را خیره و تسخیر کرده که مجال تفکر در هر چیز را سلب نموده است. خیرگی خورشید نورانی علم، چنان اذهان را به خود مشغول نموده که آن کسان که رابطه علم و معنویت را از نظر دور داشته اند از ظاهر پیشرفت علم تصور کرده اند که علوم مادی جای معنویت را هم گرفته است.

نظرگاه_مورد نظر و توجه¹
طرح شده_ افکنده شده²

تاریخ علم

مطالعه قرون گذشته از تاریخ بشر از لحاظ علمی و اجتماعی بسیار آموزنده است. یک دوران طولانی که به نام قرون وسطی موسوم است از تاریکیها و محدودیت ها و کندی پیشرفت علم است.

در این دوره به خاطر دیواره های تعصب و خرافات دینی که دورادور افکار کشیده بودند دانش مجال آن نداشت آن چنان که لازم است گسترش یابد این است که معلومات بشر به کندی تمام پیشرفت می کرد و دنیا از لحاظ ترقی و تمدن و دانش بسیار ضعیف بود.

دوره رنسانس

آنگاه دوره رنسانس با توالد پیش آمد که در اواخر قرن 18 و در اوایل 19 به شدت خود رسید. محدودیتهای فکری و تعصبات کم شد و دیواره های جهل را شکستند. به جلوگیری و اختناق فکری اعتنایی نکردند. سده های نادانی را خراب کردند و پرده های تعصب را دریدند محفظه های محدودیت را پاره کردند و تخم دانش را در افکار کاشتند. آنگاه به مطالعه و تحقیق و آزمایش و تجربه پرداختند. دانش رشته رشته شد و هر گروهی به تحقیق در رشته خاص مشغول گردیدند. در نتیجه این نهضت عظیم علمی از هر سو دانش پیشرفت کرد. مانند سیلی که سد را شکسته باشد و از همه طرف آب به اطراف جاری نماید، رودخانه علم در هر سو جاری گردید و روز به روز نیرومندتر و قویتر شد.

شاهد بارز

در هر حال هر چه بود پیشرفت عظیم علم در قرن 19 خود نشانه و شاهد و دلیلی روشن است که وقتی موانع از جلو بشر برداشته شود و جلو راه باز گردد و پرده تعصبات دریده شود و مجال تحقیق و بررسی و کاوش در اختیار قرار گیرد و ابزار علم در لابراتوار مجهز به وسایل در دسترس گذارده شود چه پیشرفتهای عظیمی پیدا خواهد شد. پیشرفت برق آسا

در مدت پنجاه الی هفتاد سال چنان پیشرفت برق آسائی در علم پدید آمده که تصور آن در دو قرن قبل محال می بود و حتی در انتشارات بسیار پیشرفته علمی سی سال قبل رفتن بشر را به کرات آسمانی با دلائل علمی و ریاضی که به خیال خودشان متقن و مسلم بود محال می دانستند اما گذشت روزگار و پیشرفت علم این نکته را روشن نمود که حتی آن چیزی که محال می نمود روزی صورت واقع و عمل به خود می گیرد. در این مدت بسیار کوتاه که هنوز به یک قرن نرسیده پیشرفت علم به قدری سریع بوده که چندین صد برابر مجموع پیشرفت علمی در تاریخ دو هزار ساله مدون بشر به شمار می رود. آیا دلیلی روشن تر و بهتر از این برای ترقی جهش وار و انفجاری علم می توان ارائه کرد؟

دینامیسم عالم

احتیاج به تکرار ندارد که علم نیرو و دینامیسم عالم است. این سخن در کتابهای پیشین به اثبات رسیده و در صفحات 600 تا 605 کتاب دینامیسم آفرینش در این باره سخن رفته و تکرار را جایز نمی دانم. علم قدرت است. علم نیرو است. علم عظمت است و نیروی چشمگیر عصر حاضر با علم صورت وقوع یافته است. به همین لحاظ

است که دول بزرگ و معظم جهان با صرف هزینه های هنگفت و سرسام آور می کوشند علم را پیشرفت دهند و تفوق علمی را حاصل نمایند.

سرنوشت علم

سرنوشت عالم نیز همین پیشرفت علم می باشد و تا سرنوشت ایجاب نکند بشر حاضر نیست این طور با عمل شتاب آمیز و جنون آسا در راه پیشرفت علم بکوشد. می بینید چه می کند. چگونه دارائی خود را چشم بسته صرف توسعه علم می سازد و بودجه های عظیمی در این کار صرف می نماید. می بینید چگونه نیروی عظیم بشریت را در این راه تجهیز می کند.

این همه زحمت و هزینه چرا؟

برای فرستادن هر موشکی چند میلیارد دلار آمریکا به کار می رود و چند صد هزار دانشمند و متخصص و عالم و صنعتگر و کارگر شب و روز به کار مشغول می شوند و نتیجه این همه هزینه و این همه صرف وقت چیست؟ از این که بشر مثل مگسی که از کف اطاق به سقف بنشیند لحظه ای در ماه فرود می آید و سنگی بر می دارد و بر می گردد چه نظر دارد و چرا برای این کار که نسبت به عالم لایتناهی بسیار کم ارزش است این همه پول و نیرو صرف می کند؟

علاقه بشر به دانش

چرا عالم بشریت این طور نگران و واله و شیفته این جهش های دانش است به طوری که در شب فرود آپولو 11 در ماه شاید نیمی از افراد بشر در روی کره زمین خواب را بر خود حرام کردند تا اخبار این اقدام بشری را بشنوند و بخوانند؟

سرنوشت زمان

این ها همه دلیل بر آن است که سرنوشت زمان پیشرفت علم را ایجاب می کند. در نظر یک موحد پاک سرشت و یک وحدتی آگاه کاملاً روشن است که هیچ عملی در عالم لایتناهی بدون خواست و تقدیر یزدان انجام نمی شود برگی در درخت نمی جنبد و مورچه ای بر زمین حرکت نمی کند. این عقیده هر فرد توحیدی است و درست هم هست. زیرا کار کارخانه خلقت باید بر طبق نقشه مهندس کارخانه پیش رود. در این صورت آیا جز این است که کوشش بشر در راه پیشرفت دانش در این قرن نشان سرنوشت و مقدر الهی است و مشیت یزدانی چنین ایجاب کرده که امروزه علم با چنین قدمهای برق آسایی پیشرفت نماید؟

علم نیرو است

علم قدرت و نیرو است. چنانچه می بینیم بشر در راه توسعه و شکوفائی آن قدرت و نیرو خرج می کند، مال و دارائی را که مبنای نیرو است در این راه می ریزد و نیروی انسانی را که اساس قدرت است در این راه مصرف می کند تا علم را بدست آورد چرا که علم خود نیروئی شگرف و بالاترین نیروها است.

نیروی علم

این است که می گویم علم در همه جا قدرت و نیرو است. در این عهد درخشان علم به همان نسبت تصاعدی که از زمان رنسانس تاکنون پیشرفت نموده بلکه با نسبت و سیری بی نهایت بیشتر علم ترقی خواهد کرد و قدرت

خود را آشکار خواهد نمود. علت پیشرفت دانش در زمان رنسانس آن بود که کلیدهای برای پیشرفت پیدا شد از آن جمله تحقیق و تجربه و تخصص. اما در عهد نو کلیدهای نوینی بدست می آید.

کلیدهای دانش

کلیدهای واقعی علم در محفظه هائی است که می توان آن را غنچه راز نامید. این غنچه سربسته ای است، این همان غنچه هائیسست که عالم و عارف آگاه و بزرگوار شیخ بهائی در ترجیع بند خود فرمود: «غنچه نشکفته این باغ که بوید؟» این غنچه ها هنوز نشکفته و در زیر محفظه پنهان است و صاحب جهان و پدید آورنده دانش این رازهای بزرگ علم را خواهد شکفت و با شکفتن غنچه ها اسراری برملا خواهد شد که مبنای ترقیات عظیم دانش خواهد بود.

دانش قطعی یا مبهم

حقیقت این است که دانش با وجود تمام پیشرفت و عظمت درخشنده اش در تمام موارد جنبه قطعی ندارد و دائماً در حال تغییر است. به طور مثال می گویم زمانی بود که فرضیه لاپلاس را امری مسلم و قطعی می شناختند که منظومه شمسی از قطعه گازی به وجود آمده مذاب که کم سرد شده و زمین و کرات منظومه قطعاتی از خورشیدند که جدا شده و در پیرامون کره مادر به گردش در آمدند یا این که ماه جسمی سرگردان در فضای دور بوده و وقتی به حیطه جاذبه خورشید در آمد به این صورت در اطراف آن به گردش پرداخت. این نظر را قطعی و مسلم می دانستند اما پس از آوردن سنگ و خاک ماه توسط آپولو در کنفرانسی که هشتصد تن دانشمند از 25 کشور شرکت کرده و هر کدام به نحوی خاص در لابراتوار خود با وسایل مخصوص خود سنگ و خاک کره ماه را تجزیه کردند به این حقیقت واقف شدند که فرضیات سابق مردود است. پروفیسور رینگوود استاد دانشگاه ملی استرالیا در کانبرا می گوید: «باید برای پیدایش منظومه شمسی دنبال فرضیاتی غیر از فرضیات سابق که ماه را جسم جدا شده از زمین یا سرگردان در فضا و جذب شده توسط آفتاب یا جسمی کوچک از زمین بدانیم. بلی غیر از این است». در مجله نیشنل جیوگرافیک شماره دسامبر 1969 مقاله «از سنگهای ماه چه فهمیدیم» به قلم کنت ویور در صفحه 789 می گوید: «سنگهای ماه نشان داد که تاکنون هیچ بشری به طور کامل فکر صحیحی در باره ماه نداشته است و وجود آن ها بیش از آنچه جوابگوی مشکلات باشد خود مشکلاتی مطرح می کرد».

رازهای دانش

این موضوع و صدها شواهد نظیر آن نشان می دهد که آنچه در دست از علوم کشف شده قطعی نیست و منتظر روشنائی است که بر آن نور بتاباند و آن را شکار کند و حقیقت آن را نشان دهد. رازهای در دانش هست که کلید آن به دست آفریننده و بانی و موجد دانش است و اوست که در مواقعی که مقتضی می داند این رازها را می شکافد و بشر را روشن می کند. هر چند که بشر امروز خود را در دانش مادی غرق ساخته و از توجه به آفریننده دانشها غافل مانده است اما سرنوشت عالم کار خود را می کند اعم از این که متوجه باشند یا نباشند. راستی این است که در دل هر دانشی رازی پنهان است که کلید آن دانش به شمار می رود و این راز مثل چراغی است که تمام زوایای تاریک دانش مزبور را روشن می سازد و آن را بر زمین آشکار و درخشان می کند.

کلید دانش چگونه روشنگر است

یک اطاق مجهز و آماده که در آن همه وسایل موجود است در تاریکی پنهان است. وقتی چراغی به داخل آن بیاورند چیزی بر اطاق اضافه نکرده اند و همان خواهد بود که هست منتها نور چراغ تاریکی را بر طرف می کند، سایه ها را از بین می برد و همه زوایا را روشن و آشکار می سازد. در پرتو چراغ همه می توانند همه چیز را ببینند در حالی که قبل از آوردن چراغ همه در اطاق بودند ولی نمی توانستند چیزی را درست تشخیص دهند.

رازهای روشنگر

ناظرین اطاق همان بودند و اطاق هم همان بود که هست فقط چراغ کمک به دید کرد و حقایق آن را روشن نمود. رازهای اساسی دانش هم که در دل دانش پنهان است همین حکم را دارد و مثل چراغی تمام زوایای علم را روشن خواهد نمود و بر بشر عرضه خواهد داشت. آن وقت که این کلیدهای نوین به دست آمد خواهند دید چه شگفتیهای تازه ای در علم موجود بود و چه اسراری در لابلای آن نهفته بود که به کمک چراغ الهی روشن گردید. آن وقت است که انوار نوین و بسیار درخشنده علم بر جهان می تابد و نور وحدت مثل ذره بینی حقایق این علم را روشن خواهد کرد. ذره بین چه می کند؟ دیدنیها را بزرگتر و قویتر می نماید و آن را برجسته و نمایان می کند تا بهتر روشن گردد.

حقایق وحدت

حقایق وحدت و اتصال و اتحاد عالم و واقعیات نوینی که در باره وحدت عالم آشکار می شود و حقایقی که در باره وحدت ادیان بیان می کنیم در حکم ذره بینی است که با آن می توان همه علوم را بهتر دید، بهتر سنجید و بهتر در باره آن ها قضاوت نمود.

علم قدرت می گیرد

پس از این که چنین نور درخشانی زوایای تاریک علوم را روشن کرد علم از این نورافکن قدرت می گیرد و توسعه می یابد زیرا دیدن باعث فهم و فهم انگیزه تحقیق می شود. وقتی دانشمندان با چراغ شگفت انگیز روشن کننده علوم همه پیچ و خمهای علم را دیدند دنبال آن را می گیرند، در آن بررسی می کنند با اطلاع و بینش بیشتر در باره آن می کوشند در راه گسترش آن اقدام می کنند و به این ترتیب علم را روز به روز نیرو و قدرت می دهند. چنان قدرتی که پیشرفت برق آسای آن هیچ تناسبی با آنچه دیده و شنیده اید نخواهد داشت.

روزنامه اطلاعات چهارشنبه ششم خرداد ماه 1349، شماره 13201 صفحه 3

سنگ بی نظیری که از ماه آورده شد.

هوستون - دیروز اعلام شد که یک تکه سنگ ماه به اندازه لیمو در میان سنگهایی که از ماه آورده شده یافت شده که از لحاظ شیمیائی بی نظیر است و به شدت رادیو اکتیو می باشد. عمر این تکه سنگ 4/5 میلیارد سال است و قدیمی ترین سنگی است که در ماه یافت شده است این سنگ بیش از 20 برابر سنگهای دیگر ماه اورانیم، توریوم و پتاسیم دارد. رنگ این سنگ بر حسب زاویه ای که به آن نگاه کنند فرق می کند. این سنگ توسط فضا نوردان آپولو 12 به زمین آورده شده است.